یادداشت روز

مسئله این نیست

۱۹ مهر ۱۳۹۲ تنها دو ماه از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید می‌گذشت اما اظهارات و اقدامات نسنجیده دولتمردان در همین مدت اندک آنقدر بی‌اندازه بود که تصویری‌اشتباه از جمهوری اسلامی ایران به بازیگران جهانی مخابره کرد. تارنمای رادیو دولتی فرانسه در همین روز بر اساس رویکرد منفعلانه دولت یازدهم در مواجهه با غرب، طی تحلیلی نوشت: «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی جمهوری اسلامی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که در نتیجه افزایش تعهدات مالی، خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. بر پایه این جمع‌بندی، صبوری خریدار، وضعیت فروشنده را دشوارتر و قیمت فروش را کمتر خواهد کرد. پیشنهاد سقف زمانی ۳ ماهه از سوی روحانی برای انجام معامله قطعی با غرب، نشانه وضعیت اضطراری دولت او است که در ژنو در هیئت فروشنده ظاهر خواهد شد.» این شاید اولین‌اشتباه دولت آقای روحانی بود اگرچه هرگز آخرین‌اشتباه آن به حساب نمی‌آمد.

درس اول این بود که هرگز در یک معامله خود را «مشتاق» نشان ندهید؛ دولت تدبیر اما این درس اول را تا آخر فرا نگرفت. ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ کمتر از سه ماه به پایان دولت تدبیر مانده بود که دولتمردان وقت همچنان همان تصویراشتباه را به جهانیان مخابره می‌کردند. این بار نوبت به تحلیل‌گر نیویورک‌تایمز رسید که از عجله واشتیاق دولت وقت ایران به عنوان انگیزه‌ای برای دولت آمریکا جهت دستیابی به توافقی بزرگ‌تر بنویسد: «[دولتمردان] آمریکایی بازگرداندن توافق قدیمی[برجام] را اولین قدم برای دستیابی به چیزی بزرگ‌تر می‌دانند.اشتیاق ایران برای کاستن از محدودیت‌های مالی فراتر، آنها[آمریکایی‌ها] را تشویق می‌کند. به قول یک مقام ارشد دولت[آمریکا]: وقت مذاکره برای توافق‌نامه بعدی رسیده.» واقعیت تلخ این بود که دولت اعتدال در عالی‌ترین سطوحش ۸ سال با دهانی آب‌افتاده و باز به اروپا و آمریکا خیره شد اما فقط «وعده» از آنها دریافت کرد.

در این ۸ سال گاهی تشخیص اینکه هدف تیم مذاکرات دولت تدبیر «رفع تحریم‌های ظالمانه ایران» است و یا صرفا «حصول یک توافق با غرب»، به شدت سخت می‌شد. سمّی‌ترین لحظه زمانی بود که وزارت خارجه با شعار «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست» وارد کارزاری تبلیغاتی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی شد. شعاری که با کمترین بهره هوشی هم قابل فهم بود به سختی می‌توان آن را با بدیهی‌ترین معیارهای عقلی و منطقی تطبیق داد. گویی «مسئله لغو تحریم‌ها» برای دولتمردان تدبیر شفاف نبود و یا دست کم در اغلب مواقع، میان مسائلی موهوم گم می‌شد.

برجام به مثابه سنگی بود که در چاه انداخته شد و حالا باید با درایت و تأمل کافی برای رهایی از این موقعیت تلاش کرد. دولت تدبیر در مقاطع مختلف فرصت‌های طلایی اصلاح این‌اشتباه و متوازن‌سازی نامعادله برجام به سود منافع ملی ایران را از دست داد. از این نظر دولت سیزدهم وارث فرصت‌های سوخته است اگرچه لزومی ندارد میراث‌دار تحلیل‌های سوخته نیز باشد. تحلیل‌هایی که در قالب دلسوزی به مقامات مسئول دولت گذشته عرضه می‌شد و با خلق مسائل موهومی نظیر «سایه جنگ» و یا «انسداد و انزوای سیاسی» تنها راه‌حل را در برجام و یا چیزی شبیه آن می‌جست؛ و البته با کمال تأسف مورد پذیرش واقع می‌شد.

این نسخه امروز نیز از جانب همان جریان برای دولت سیزدهم تجویز می‌شود؛ «برجام» را مسئله اصیل سیاست خارجی ایران بازنمایی کرده و بازگشت هر چه سریع‌تر به مذاکرات وین و «احیای برجام» را دلسوزانه(!) توصیه می‌کنند. فارغ از آنکه «برجام» در همان دولت گذشته نیز مسئله جمهوری اسلامی نبود، مسئله ما «لغو تحریم‌ها» بود که مذاکرات منتهی به برجام برای آن طراحی شد. تجربه تاریخی‌مان اما نشان داد ایده «لغو تحریم از طریق مذاکره» جواب نمی‌دهد و به تصریح معاون وقت وزیر خارجه «داستان موفقی نبود.» همانطور که در پیوست‌های آخرین گزارش سه ماهه وزارت خارجه دولت تدبیر از اجرای برجام به مجلس شورای اسلامی مورخ ۲۱ تیر ۱۴۰۰ نیز آمده است؛ پس از ۸ سال مذاکره و با نهایت تساهل و تسامح در مقابل زیاده‌خواهی طرف‌های غربی، نه تنها تحریم‌ها لغو نشد که بیش از گذشته افزایش یافت.

اکنون به دنبال تحولات جدید منطقه‌ای و جهانی و پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم با نگاه به منابع درون‌زای قدرت و همکاری با همسایگان و دوستان؛ مسئله حتی دیگر «لغو تحریم‌ها» هم نیست بلکه «خنثی‌سازی تحریم‌ها» است. بر این اساس با فرض «همیشگی بودن تحریم‌های آمریکا»، مذاکره برای لغو تحریم در اولویت‌های سیاست خارجی ایران قرار ندارد اگرچه این مسیر مسدود نخواهد شد. نمود بیرونی چنین سیاست‌گذاری‌ای می‌تواند صبر و حوصله برای از سر گیری مذاکرات وین و یا کاهش سطح مذاکره کنندگان در سطح معاونان وزارت خارجه و حتی پایین‌تر از آن در سطح سفرای مستقر در سازمان‌های بین‌المللی باشد.

حالا با گذشت بیش از دو ماه از آغاز به کار دولت جدید جمهوری اسلامی، اروپا و آمریکا دیگر باید بدانند ایران برای مذاکراتی که بی‌نتیجگی ملموسش را با بدعهدی طرف‌های غربی کاملا احساس کرده، هیچ‌اشتیاق و عجله‌ای ندارد. جدیت و ارتقای سطح این مذاکرات در گرو اقدام عملی طرف‌های غربی برای برداشتن موانع و تصحیح تصویر ذهنی مقامات ایران پس از راستی‌آزمایی انجام تعهدات آنهاست.

مسلما تغییر راهبرد سیاست خارجی دولت ایران از «مذاکره با غرب برای لغو تحریم» به «همکاری با همسایگان و دوستان برای خنثی‌سازی تحریم» از جانب آمریکا بی‌واکنش نخواهد ماند. یک دیپلمات آمریکایی وقتی ببیند هویجی که تکان می‌دهد هیچ جذابیتی برای طرف مقابل ندارد؛ چماقش را برای تکان دادن بلند می‌کند. چماقی که معمولا در ادبیات دولتمردان آمریکا به صورت «جنگ و تحریم» خود را نشان می‌دهد اما بازوهای آمریکای امروز برای نگه‌داشتن این چماق بیش از حد ضعیف و ناتوان شده است.

نه امروز که ایالات متحده در دریایی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی دست و پا می‌زند، بلکه سال‌ها پیش در روزهای اوج(!) اوباما در دسامبر ۲۰۰۹ مایکل گرسن عضو سابق شورای روابط خارجی آمریکا و مشاور سیاسی ارشد جورج بوش(پسر) طی مقاله‌ای برای واشنگتن‌پست گزینه نظامی اوباما در مقابل ایران را بی‌پشتوانه خواند و گفت حتی جورج بوش با سابقه لشگرکشی به افغانستان و عراق، جنگ با ایران را «بسیار خطرناک» می‌دانست و حاضر به این کار نشد. این روزها نه تنها نگاه به معضلات داخلی آمریکا بلکه حتی رصد آرایش جدید نیروهای آمریکا از افغانستان و عربستان گرفته تا عراق و سوریه، شواهد آشکاری از بی‌اعتباری گزینه نظامی آمریکا در منطقه و در مواجهه با ایران را نشان می‌دهد.

گزینه تحریم نیز به همین اندازه بی‌اعتبار است. ۲۵ اکتبر ۲۰۲۰ در حالی که دولت وقت آمریکا سعی می‌کرد در چارچوب سیاست فشار حداکثری تحریم‌های بیشتری بر ایران اعمال کند، رابرت اوبرایان مشاور امنیت ملی ترامپ به خبرنگاران گفت: «یکی از مشکلاتی که ما با ایران و روسیه داریم این است که در حال حاضر آنقدر تحریم علیه آنها اعمال کرده‌ایم که دیگر امکان کمی برای انجام دادن مانده است.» وندی شرمن قائم‌مقام وزیر خارجه فعلی آمریکا نیز همین نظر را داشت. او درباره اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران به شبکه رادیویی پابلیک رادیو اینترنشنال(PRI) گفت: «فکر می‌کنم که تغییری در تحریم‌های اساسی اتفاق نخواهد افتاد، در واقع بسیاری از تحریم‌ها مشابه همان تحریم‌های قبلی خواهند بود و تنها نامشان عوض خواهد شد.» این همان موقعیتی است که ویلیام برنز رئیس‌سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) پیشتر نسبت به وقوع آن هشدار داده و گفته بود: «آمریکا به دلیل استفاده بیش از حد از تحریم‌ها به کارایی این ابزار سیاسی ضربه وارد کرده و کشورها را وادار کرد وابستگی خود به دلار و سیستم مالی آمریکا را کمتر کنند.» در شرایط کنونی تهدید به تحریم از جانب آمریکا مثل تهدید با تفنگ بی‌خشاب است. چنین شرایطی پیش از توافق برجام نیز رخ داده بود. جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا ۲۳ جولای ۲۰۱۵ طی جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنا درباره شرایط آن روزها گفت: «بدون توافق، رژیم تحریم‌های بین‌المللی فرو می‌ریخت.» ادعایی که کمتر از یک ماه بعد توسط باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز تأیید شد و او در ۲۸ آگوست ۲۰۱۵ گفت: «اگر این توافق را نمی‌کردیم ایران را در صندلی راننده می‌نشاندیم. فکر می‌کنم در آن صورت تحریم‌ها فرو می‌ریخت و نتیجه‌ای عاید ما نمی‌شد.» خوشبختانه الان یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه دولت سیزدهم به اندازه دولت یازدهم مشتاق «توافق با غرب» نیست تا با چنین توافقی به تحریم‌های از جان افتاده آمریکا، جان دهد.

با این حال آنچه همیشه کارآمدتر از «جنگ و تحریم» عمل می‌کند، «ترس از جنگ و تحریم» است. در این مورد هزینه‌های گزاف جنگ و اجماع‌سازی برای تحریم با هزینه‌های اندک عملیات رسانه‌ای جایگزین می‌شود. این ترس نیز معتبر نیست اما رسانه‌های دوست‌نما به آن اعتبار می‌بخشند. برای مشاهده این رسانه‌ها احتیاجی نیست فقط به خارج از مرزها نگاه کنیم. دکه‌های مطبوعاتی شهرهای ایران، دامنه‌های داخلی با پسوند . آی آر(.ir) و حساب‌های کاربری شبکه‌های اجتماعی نیز بعضا میزبان این جریان رسانه‌ای هستند. شاید به همین علت بود که رهبر انقلاب در سخنان روز اربعین از اهمیت «حرکت تبیینی» برای خنثی کردن توطئه‌های دشمن گفتند: «به مسئله «تبیین» اهمّیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود، در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملّت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است.» جملاتی که یک بار دیگر یادآور سخن ماندگار ایشان در ۱۰ مرداد ۱۳۹۹بود:

«اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعا شکست خواهد خورد.»

سید محمدعماد اعرابی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

لج‌بازی و سیاسی‌کاری روحانی و زنگنه عامل خسارت سنگین ایران در پرونده کرسنت

سرویس سیاسی- **انتشار خبر جریمه ۶۰۷/۵ میلیون دلاری ایران در پرونده «کرسنت» توسط دیوان داوری بین‌المللی باعث شد که دوباره ابعاد مختلف این پرونده اعجاب‌انگیز در رسانه‌های رسمی و فضای مجازی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.**

پرونده کرسنت که در سال ۸۱ و در دولت خاتمی توسط بیژن زنگنه امضا شده و در دولت روحانی معلق مانده بود، سند بی‌کفایتی مدعیان اصلاحات است که اکنون و فعلاً ۱۷ هزار میلیارد تومان جریمه روی دست ایران گذاشته است.

مطابق خبر منتشر شده از سوی خبرگزاری رویترز ، شرکت اماراتی «دانا گاز» (شرکت مادر کرسنت پترولیوم) اعلام کرده است دیوان داوری بین‌المللی، شرکت ملی نفت ایران را به علت اختلاف بر سر تامین گاز با این شرکت به پرداخت جریمه ۶۰۷،۵ میلیون دلاری معادل ۱۸ هزار میلیارد تومان محکوم کرده است. براساس این خبر که صحت و سقم آن تایید یا رد نشده است، این محکومیت تنها مربوط به ۸،۵ سال از مدت زمان ۲۵ ساله قرارداد کرسنت می‌باشد و براساس بیانیه شرکت اماراتی دانا گاز، آخرین جلسه رسیدگی به ادعای بسیار بزرگ‌تر، برای ۱۶ سال و نیم باقی مانده، در اکتبر سال آینده در پاریس تعیین شده است و تصمیم‌گیری در مورد این جریمه در سال ۲۰۲۳ انجام می‌شود.

جزئیات قرارداد کرسنت

قرارداد کرسنت قراردادی برای فروش روزانه معادل ۵۰۰ میلیون فوت مکعب، گاز ترش میدان سلمان است، که در سال ۱۳۸۱ و در زمان وزارت بیژن نامدار زنگنه در دولت هفتم مابین شرکت کرسنت پترولیوم و شرکت ملی نفت ایران منعقد گردید. بر اساس مفاد این قرارداد، مقرر شده بود که از سال ۲۰۰۵ با احداث خط لوله در خلیج‌فارس، گاز فراورده نشده میدان سلمان (مخزن مشترک با ابوظبی)، به میزان روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب به امارات صادر شود. پس از گذشت زمان و عدم اجرای قرارداد از سوی ایران، شرکت کرسنت اختلاف را به دادگاه بین‌المللی لاهه ارجاع داد. جلسات مربوط به رسیدگی به اختلافات این قرارداد در سال ۱۳۹۲ در لاهه برگزار گردید و این دادگاه در سال ۲۰۱۳ رأی داد که این قرارداد ازلحاظ قانونی لازم‌الاجرا است و طرف ایرانی باید تعهدات خود را عملی کند.

لج‌بازی و سیاسی‌کاری روحانی و زنگنه عامل ضرر بزرگ کرسنت

احمد امیرآبادی فراهانی عضو هیئت‌رئیسه مجلس در این باره می‌گوید: «زمانی که بیژن زنگنه وزیر نفت دولت خاتمی بود، یک قرارداد عظیم صادرات گاز با شرکت اماراتی به نام کرسنت بسته شد اما به جای اینکه قیمت گاز به صورت شناور و متناسب با افزایش نرخ جهانی محاسبه شود، قیمت گاز تقریباً به صورت ثابت تعیین شده بود. به گونه‌ای که بعد از چند سال پول استخراج گاز هم تأمین نمی‌شد. احمد امیرآبادی در ادامه گفت: پس از آن حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی به رئیس‌جمهور وقت درخصوص این قرارداد اعتراض کرد. پس از مدتی مشخص شد در قرارداد اولیه کرسنت برای ایران حق فسخ وجود داشته اما طی الحاقیه ششم قرارداد حق فسخ از ایران سلب شده و فروش گاز ایران به امارات، منحصراً در اختیار شرکت کرسنت قرار گرفته است. بعد از مدتی مشخص شد که شرکت کرسنت به برخی از مدیران نفتی برای بسته شدن این قرارداد رشوه پرداخت کرده است. نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: با روی کارآمدن دولت نهم، رئیس‌جمهور وقت اعلام کرد روند انعقاد این قرارداد غیر قانونی بوده و اجرا نخواهد شد.

رأی دیوان داوری لاهه علیه ایران به دلیل وزارت «زنگنه» بود

امیرآبادی گفت: با توجه به فسادی که در انعقاد این قرارداد رخ داده بود، با استناد به همین موضوع دولت تلاش داشت تا این قرارداد را فسخ کند و روند بررسی این قرارداد در دولت نهم و دهم هم در دادگاه لاهه طی شد و در حال به نتیجه رسیدن بود.

وی افزود: زمانی که حسن روحانی رئیس‌جمهور دولت یازدهم زنگنه را به عنوان وزیر نفت به مجلس نهم معرفی کرد، اطلاعاتی به دست ما رسید که اگر زنگنه وزیر نفت شود قطعاً رأی دیوان داوری لاهه علیه ایران صادر خواهد شد زیرا جمهوری اسلامی مدعی بود در این پرونده رشوه داده شده و این قرارداد خدشه‌دار است و تلاش داشته که فسخ قرارداد را اعلام کند. نماینده مردم قم گفت: سؤالی که از طرف دیوان لاهه مطرح شد این بود که اگر در قرارداد کرسنت رشوه داده شده، چرا فردی که در زمان انعقاد قرارداد مسئولیت داشته، مجدداً به عنوان مسئول انتخاب شده است. امیرآبادی بیان کرد: در آن مقطع، جلسه‌ای با حضور احمد توکلی، حسین نجابت، علیرضا زاکانی، الیاس نادران، علی‌اصغر زارعی، بیژن زنگنه و بنده تشکیل شد و بنده اسناد و مدارکی را ارائه دادم مبنی بر اینکه اگر زنگنه وزیر نفت شود، ایران در پرونده کرسنت متهم خواهد شد. وی اظهار داشت: راهکار ما این بود که رئیس‌جمهور فرد دیگری را به عنوان وزیر نفت معرفی کند یا حداقل تا زمان صدور رأی پرونده کرسنت برای این وزارتخانه سرپرستی را تعیین کرده و بعد از صدور حکم، زنگنه را به عنوان وزیر پیشنهادی نفت به مجلس معرفی کند اما زنگنه در آن جلسه قول داد ظرف ۱۵ روز پرونده کرسنت را در لاهه مختومه کند.

روحانی راضی نشد فرد دیگری غیر از زنگنه را برای وزارت نفت معرفی کند

نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: مقرر شد احمد توکلی و محمد دهقان با اسحاق جهانگیری و حسین فریدون صحبت کنند تا رئیس‌جمهور راضی شود که فرد دیگری را برای وزارت نفت معرفی کند اما متأسفانه رئیس‌جمهور راضی نشد و زیر بار نرفت و زنگنه را به عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی کرد. متأسفانه مجلس نیز به وی رأی اعتماد داد. وی عنوان کرد: دیوان لاهه اعلام کرد اگر این فرد متهم به اخذ رشوه بوده، چرا به عنوان وزیر انتخاب شده است. لذا ادعای وکلای ایرانی در پرونده کرسنت رد شد.

مهم‌ترین ایرادات حقوقی و قانونی قرارداد کرسنت

در کنار این مسائل، اصل قرارداد کرسنت حاوی ایرادات حقوقی و قانونی متعددی بود که از سوی مسئولان ذی ربط در آن مقطع مورد توجه قرار نگرفت. از جمله مهم‌ترین ایراد این قرارداد شیوه قیمت گذاری گاز تولیدشده از میدان بود که برخلاف قواعد متعارف صورت گرفته بود. قاعده متعارف در قیمت گذاری گاز صادراتی در بازارهای منطقه‌ای براساس فرمول مشخص و مورد توافق طرفین و تابعی از قیمت جهانی نفت تعیین می‌گردد به گونه‌ای که با افزایش یا کاهش قیمت جهانی نفت، قیمت گاز صادراتی نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. در قرارداد کرسنت، قاعده مذکور رعایت نشده و طبق مفاد قرارداد، برای ۷ سال نخست فروش گاز ایران، در فرمول مورد توافق ، قیمت نفت ثابت (۱۸ دلار برای هر بشکه نفت) تعیین شد و برای ۱۸ سال باقی مانده، قیمت فروش گاز بر پایه قیمت نفت خام دبی، ۴۰ دلار در هر بشکه به صورت ثابت تعیین شد. براین اساس هرچه قیمت نفت بیشتر افزایش یابد، عدم النفع (Non profit) ایران از اجرای قرارداد افزایش یافت.

از سوی دیگر ارزیابی مراجع نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور، شورای عالی امنیت ملی، دیوان محاسبات و سایر مراجع قانونی از قراردادمذکور، موید تضییع حقوق ایران در قرارداد منعقده و عدم رعایت منافع ملی در ابعاد مختلف اقتصادی، امنیتی، حقوقی و فنی و نادیده گرفتن قوانین و اسناد بالادستی است. از مهم‌ترین دلایل عدم اجرای قرارداد، گزارش مراجع مزبور مبنی بر به صرفه نبودن اجرای قرارداد می‌باشد. همچنین در الحاقیه‌های منضم به این قرارداد، نه تنها ایرادات قرارداد اصلی مرتفع نشده، بلکه براساس الحاقیه سوم قرارداد، حق تقدم صادرات گاز ایران به امارات به شرکت کرسنت داده شد و در الحاقیه ششم نیز انحصار فروش گاز ایران به امارات در اختیار شرکت کرسنت قرار گرفت و قیمت فروش گاز به قیمت زمان انعقاد قرارداد(۴ سال قبل) باقی ماند و تغییری نکرد.

امکان جلوگیری از تحمیل خسارت بر ایران در این قرارداد وجود دارد ؟

با توجه به موارد ذکر شده، از جمله مهم‌ترین راه‌های مدیریت حقوقی پرونده اختلاف این قرارداد و پیشگیری از تحمیل خسارت بر کشور، اولا استناد به فوت مرموز یکی از شاهدان فساد در پرونده در جلسه اول ادای شهادت در دیوان داوری لاهه، و ابطال و غیرقابل اجراء نمودن قرارداد در محکمه داوری است.

دوم اینکه اعمال تحریم‌های ظالمانه از سوی دولت‌های مستکبر به سرکردگی دولت آمریکا و مشکلاتی که در احداث خط لوله انتقال گاز میدان سلمان به ویژه به دلیل جلوگیری از انعقاد قراردادهای احداث خط لوله و انتقال پول، ایجاد کرد. یکی از دلایل مهم عدم پیشرفت مناسب پروژه و عدم امکان اجرای قرارداد بود که باید در خلال دفاعیات هیئت ایرانی به عنوان مصداقی از عذر قراردادی فورس ماژور که رافع مسئولیت شرکت ملی نفت بوده است، در نظر گرفته شود. کما اینکه در سال‌های اخیر در اکثر قراردادهای منعقده در صنعت نفت و گاز ایران، شرکت‌های خارجی به تحریم به عنوان مصداقی از فورس ماژور جهت عدم انجام تعهدات قراردادی استناد نموده و منطقه یا میدان قراردادی را بدون هیچ‌گونه مسئولیتی ترک نموده‌اند.

سوم اینکه براساس ماده ۲۲،۱ قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد، قانون جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مستند به اصل۱۳۹ قانون اساسی، ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی به داوری در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد، باید به تصویب هیئت وزیران و مجلس برسد. از سوی دیگر براساس ماده۲ قانون نفت ایران مصوب ۱۳۶۶، منابع نفت و گاز کشور جزو انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی است. با توجه به موارد ذکر شده، ارجاع اختلافات مربوط به قرارداد کرسنت باید به تایید هیئت وزیران و مجلس شورای اسلامی می‌رسید که این تشریفات رعایت نشده و می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ایرادات و مستندات قانونی، جهت خدشه‌دار نمودن ارجاع اختلاف به داوری و عدم صلاحیت داور و صلاحیت محاکم داخلی ایران به آن استناد کرد.

و در نهایت اینکه رسیدگی دقیق محاکم قضایی به تمامی تخلفات، ترک فعل‌ها و جرائم صورت گرفته از سوی‌اشخاص مختلف مرتبط با این قرارداد و ارائه آرای محکومیت این افراد به محکمه داوری، جهت اثبات فساد قرارداد، امری ضروری و از مهم‌ترین مطالبات عمومی می‌باشد.

گفت و شنود

غرق میشه !

گفت: این روزها برخی از مدعیان اصلاحات که نتوانسته‌اند به قول و وعده‌های خود عمل کنند، برای ناتوانی‌های خود بهانه‌های آنچنانی می‌تراشند!

گفتم: چطوری؟ مگر ممکن است؟!

گفت: مثلاً می‌گفتند با گرانی مبارزه می‌کنیم، ولی در تورم رکورد زدند، می‌گفتند به تولید رونق می‌دهیم، بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولید را تعطیل کردند! می‌گفتند سرمایه خارجی می‌آوریم، به سرمایه‌های داخلی هم آسیب زدند! می‌گفتند اشتغال ایجاد می‌کنیم، به بیکاری دامن زدند! گفتند برای رفع تحریم‌ها مذاکره می‌کنیم ولی تحریم‌ها را اضافه هم کردند و... حالا طوری حرف می‌زنند و می‌نویسند که انگار طلبکار هم هستند!

گفتم: یارو مدیر رستوران را صدا کرد و گفت؛ این مگس را می‌بینی که داره در ظرف سوپ شنا می‌کنه؟! مدیر رستوران گفت؛ خُب اگر شنا نکنه که غرق میشه!

دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی حمله تروریستی در قندوز افغانستان را محکوم کرد

دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی با صدور بیانیه‌ای حمله تروریستی به مسجد سیدآباد قندوز افغانستان را محکوم کرد.

در پی حمله تروریستی روز جمعه ۱۶ مهرماه داعش به مسجد سیدآباد قندوز واقع در شمال افغانستان که به شهادت و مجروح شدن ده‌ها تن از شیعیان نمازگزار مظلوم انجامید، دکتر علی‌اکبر ولایتی، دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی با صدور بیانیه‌ای، این اقدام تروریستی و وحشیانه را به شدت محکوم کرد و قتل‌عام نمازگزاران بی‌گناه را به ملت بزرگ آن کشور و جهان اسلام تسلیت گفت.

دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی در این بیانیه تاکید کرد: بدون تردید آمریکای جنایتکار که امروز مجبور به خروج ذلت‌بار از افغانستان گردیده با حمایت از گروه‌های تروریستی و انجام چنین توطئه‌های شیطانی عملاً می‌خواهد به مردم مظلوم آن کشور القاء نماید که برعکس آنچه آمریکا و اذنابش در منطقه تبلیغ می‌کنند، حضور غیرقانونی و اشغالگرانه این کشور در دیگر ممالک جهان موجب سلب امنیت و تقویت تروریسم در آنها خواهد شد. ولایتی تصریح کرد: ملت مسلمان و هوشمند افغانستان خود پاسخ این جنایت‌ها را به این گروه مزدور شیطان‌صفت خواهد داد همان‌طور که دیگر ملل مسلمان و مبارز فعال جبهه مقاومت در سوریه، عراق و یمن این اقدام را انجام داده‌اند. ماموریت اصلی این گروه که نام خود را مسلمان گذاشته‌اند ولی عامل بیگانه می‌باشند با طراحی اربابان‌شان، تخریب وجهه نورانی اسلام است.

آدم‌کشی کورکورانه و قتل سفاکانه انسان‌ها در هیچ‌یک از ادیان الهی مورد تایید نیست بلکه همواره محکوم بوده است.

جرم ملت مسلمان افغانستان و سایر ملل مسلمان و آزاده دنیا از دید این جانیان، پایبندی آنان به اصول و مبانی اسلامی و انسانی است و بدون تردید با حذف این گروه‌های مزدور و جانی، ان‌شاءالله ملل اسلامی به سوی تعالی و تشکیل یک جامعه رشدیافته و الگو برای پیروان سایر ادیان خواهند بود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* امید است قوای سه‌گانه تمام منویات زمین مانده رهبری معظم انقلاب اسلامی که در طول دوره زعامت‌شان به خاطر عدم اراده مدیران قبل، بر زمین مانده را احیا کنند تا هم رضایت ایشان و هم رضایت صاحب اصلی انقلاب حضرت ولی‌عصر(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) را فراهم سازند.

سیدطبایی

* الحمدلله در گام دوم انقلاب تمام قوا همسو با نظامند. انتظار می‌رود مدیران ارشد برخلاف اکثر مدیران دوره‌های گذشته که دچار دنیازدگی شده‌اند با سلوکی متمایز چهره یک مدیر در تراز اسلام انقلابی را به جهان نشان دهند.

نیک‌بین

* آمریکا و چند کشور غربی حق ندارند با ایران مانند یک محکوم رفتار کنند. ایران با متحدین خود باید مقاومت کرده و تسلیم خواسته‌های غیرمنطقی دشمنان نشوند.

۰۹۹۰---۹۷۳۸

* ملاحظه اصلاح‌طلبان فتنه‌گر مثل میدان دادن به تروریست‌های داعشی است. این جماعت به‌دلیل وابستگی به خارج تا فدا کردن نظام اسلامی به پای مطامع دنیایی خود پیش رفته‌اند.

۰۹۰۲---۳۱۰۷

* آقایان روحانی، ظریف و همچنین مذاکره‌کنندگان برجام در وقت مقتضی باید به‌خاطر خسارت‌هایی که به کشور وارد کرده‌اند به دادگاه فرا خوانده و مورد بازخواست قرار بگیرند.

۰۹۳۳---۲۹۷۷

* اعتراف به اشتباه از سوی آقای ظریف وزیر خارجه سابق کشور چیزی از کوتاهی‌های خسارت‌بار او کم نمی‌کند. مهم این است که با تشکیل دادگاه به کار تحمیل‌کنندگان خسارت به کشور رسیدگی شود.

۰۹۱۶---۶۰۴۳

* همانگونه که مدیر مسئول محترم روزنامه در یادداشت اخیر خود گفته‌اند ضرر و زیان‌های وارده به نظام و کشور از سوی دولتمردان دولت آقای روحانی از جمله آقای ظریف، کار پژمردگی یک گل نیست کل گلستان را به آتش کشیده‌اند.

۰۹۱۱---۰۰۴۹

* بعضی مجریان و خبرنگاران صدا و سیما با استفاده از کلمات خارجی ندانسته موجب ترویج زبان بیگانه در کشور و به حاشیه راندن زبان فارسی می‌شوند که لازم است دقت بیشتری در اجرای برنامه‌های خود بکنند.

۰۹۳۸---۹۹۷۰

* مهمترین عامل تورم، رشد نقدینگی است که با اخذ مالیات سنگین از دهک‌های بالای جامعه قابل کنترل و مهار است.

۰۹۱۱---۹۱۲۱

* دولت و مجلس اگر دنبال اشتغال جوانان کشور هستند جلوی اشتغال مجدد بازنشسته‌ها را بگیرند.

۰۹۱۹---۹۲۸۰

* قطار مسافربری مشهد- تهران (۷/۲۵ صبح) به شماره ۳۱۹ مورخ ۱۶ مهر ماه دارای اشکالات و ایرادات فنیِ و اساسی از جمله؛ از صندلی‌های بی‌کیفیت و غیراستاندارد و بعضاً خراب آن هم در سفر ۱۲ ساعتی استفاده شده بود - عدم رعایت دستورالعمل‌های ستاد کرونا، بدون رعایت هیچ‌گونه فاصله‌گذاری و نشستن مسافرین در کنار هم- سوار کردن مسافر بین راهی در کف راهرو و همچنین تأخیر دوساعته به مقصد بود که تقاضای رسیدگی و پرداخت خسارت را داریم.

۰۹۱۲---۸۵۷۱ ،۰۹۳۰---۹۴۴۹ ،۰۹۱۹---۴۴۹۴
۰۹۱۲---۶۵۷۵ و دیگر مسافرین

* در بلوار شهید علیار محمدی در خانی‌آبادنو تابلوی جدید با نام شقایق نصب شده بنویسید یک بلوار با دو نام معنا ندارد. از مسئولین شهرداری منطقه ۱۹ تهران تقاضای رسیدگی داریم.

۰۹۲۲---۹۲۳۹

خبر ویژه

رشد ۲۰ درصدی تولید ناخالص ملی با ساخت انبوه مسکن

اهتمام دولت به ساخت انبوه مسکن می‌تواند موجب رشد ۲۰ درصدی تولید ناخالص ملی شود و چرخ اقتصاد را به حرکت درآورد.

روزنامه وطن امروز با بررسی اهمیت و الزامات وعده دولت برای ساخت یک میلیون مسکن در سال نوشت: بهترین روش برای تحقق ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال، این است که دولت ساخت واحدهای مسکونی را به ۲ بخش تقسیم کند: بخش اول ساخت مسکن در مناطق محروم؛ به نحوی که دولت مستقیم در این بخش وارد شده و برای خانوارهایی که در این مناطق زندگی می‌کنند اما مسکنی ندارند، مسکن‌سازی کند، روشی که قطعا ساخت مسکن هم متناسب با نیاز ساکنان آن مناطق بوده و هم عملا اقدامی در راستای محرومیت‌زدایی به شمار می‌رود.

دولت با این کار صرفا برای ساکنان مناطقی که در حال حاضر نیز مقیم این مناطق هستند اما خانه ندارند یا از داشتن خانه مناسب محرومند، با امکانات و حمایت‌های دولتی خانه می‌سازد. بخش دوم اما ساخت مسکن در مناطق شهری یا غیرمحروم است. دولت در اینجا نباید حضور مستقیم داشته باشد بلکه باید صرفا با رفع موانع موجود در صدور مجوزهای ساخت‌وساز در کنار کاهش بوروکراسی‌های موجود و حمایت از بخش خصوصی، به دنبال تشویق این بخش برای حضور در نهضت جهش تولید مسکن در کشور باشد، چرا که بخش مسکن را می‌توان از معدود بخش‌های اقتصاد ایران دانست که در صورت وجود شرایط و فضای مناسب، بخش خصوصی موجود در کشور قادر به تامین ۱۰۰ درصدی نیاز کشور است. حتی اگر به دلایلی اهداف این طرح محقق نشده و واحدهای ساخته‌شده نتوانند متقاضیان واقعی مسکن را پوشش دهند، اجرای این طرح منجر به افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و تولید خواهد شد، چرا که مسکن و صنایع وابسته به آن می‌تواند نقش ۲۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشد. علاوه‌بر آن، اصولا خلق نقدینگی بدون پشتوانه به خلق اعتباری گفته می‌شود که پول خلق‌شده بدون پشتوانه باشد؛ در حالی که به ازای منابع بانکی تخصیص‌یافته به طرح جهش تولید مسکن، میلیون‌ها واحد مسکونی ساخته‌شده و طبیعتا بسیاری از صنایع وابسته با افزایش تولید مواجه خواهند شد.

فاجعه در کرسنت چرا دوبار اتفاق افتاد؟

شرکت ملی نفت ایران در بخش نخست پرونده کرسنت به جریمه بیش از ۶۰۰ میلیون دلاری محکوم شد؛ و احتمالا در آینده جریمه‌های بیشتری در انتظار ایران خواهد بود. اما داستان این تراژدی چیست؟

سایت الف درباره این پرسش می‌نویسد: قرارداد فروش گاز به شرکت امارا